

شناخت‌نامه اسامی سوره‌ها* (بخش نخست)

دکتر عبدالمهدی جلالی

دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

مقوله «اسماء السور» زیر مجموعهٔ مبحث جامع علوم قرآنی و اساس و پی‌رنگ «نام سوره‌ها» در قرآن کریم و احادیث مأثوره است. به جز نامهای متعارف سوره‌ها در مصاحف متداول، بسیاری از سوره‌ها، یک یا دو، و یا چند نام و عنوان دیگر هم دارند که در مجموع افزون بر دویست و پنجاه مورد است و به لحاظ شکل و مضمون، طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند و در مواردی بستر پدیداری نامهای متعارف سوره‌ها و از جهت سند و مبنا گونه‌گون و در خور نقد و ارزیابی می‌باشند. این نوشتار با این آهنگ

* - این نوشتار، برگرفته از پایان‌نامهٔ دکتری نگارنده با عنوان «طبقه‌بندی عناوین و وجه تسمیهٔ سوره‌های قرآن کریم» است.

سامان یافته تا جای خالی پژوهشی آکادمیک درباره دیگر اسامی سوره‌ها - تا اندازه‌ای - پر گردد و پرسشهای مقدر یا موجود در این عرصه پاسخ یابد.

کلیدواژه‌ها: نام سوره‌ها، مفاهیم، مبانی، ساختارها.

پیش‌نوشت:

۱ - سوره‌های قرآن کریم

«سوره، پاره‌ای معین است از قرآن با آغاز و فرجامی که دگرگون نمی‌شود. به نامی ویژه نامبردار است، شامل ۳ آیه و بیشتر، که از اسباب نزول یا مقتضیات مفاهیم موزونی که در هر سوره آمده، سرچشمه گرفته است. کمترین مقدار یک سوره، ۳ آیه در سوره کوثر و بیشترین شمار آیه‌ها، ۲۸۶ آیه در سوره بقره - که بیش از ۹۵ برابر کمترین سوره از نظر شمارگان آیات - است. پاره‌ای معین از قرآن که شامل شماری آیه باشد را سوره نام نهادن، از اصطلاحات خود قرآن است و این نامگذاری نزد عرب، حتی مشرکان شایع - و شناخته - بوده است. چون هنگامی که خداوند، عرب - و عجم - را به مبارزه می‌خواند و می‌فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ بِقُرْآنٍ (بقره/۲۳)؛ و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شک دارید، پس سوره‌ای مانند آن بیاورید»؛^۱ «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ (یونس/۳۸)؛ یا می‌گویند: «آن را به دروغ بر ساخته است؟» «بگو: سوره‌ای مانند آن بیاورید!»؛ «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ (هود/۱۳)؛ یا می‌گویند «این [قرآن] را به دروغ ساخته است. بگو: ده سوره ماننده آن بیاورید!»، طبعاً این

۱ - برگردان اکثر آیات از ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند است؛ با اندکی تصرف.

مبارزه خواهی در خصوص نامی (سوره‌ای) بوده که موضوع و مقدارش به هنگام تحدی برای مخاطبان روشن و شناخته بوده و دلیل این سخن آن است که آیه‌های تحدی پس از سوره‌های آغازین نازل شده‌اند.» (ابن عاشور، ۱/۸۴).

«جمع سوره، سُور است بر وزن غُرْف. در شرح قاموس از کراع نقل شده که جمع آن سُور است بر وزن مور. پراکندن قرآن در سوره‌ها، امری توفیقی و - با وحی و - به دست پیامبر(ص) انجام یافته است و شمارگان نشان از همان زمان، ۱۱۴ سوره با نام‌های ویژه بوده است. پدید آوردن گان کتابهای سنن از ابن عباس روایت کرده‌اند که چون آیه‌ای نازل می‌شد، رسول خدا (ص) می‌فرمود: «ضَعُوهَا فِي السُّورَةِ الَّتِي يُذَكَّرُ فِيهَا كَذَا: در سوره‌ای که در آن چنین آمده است، بگذاریدش!»، بنابراین سوره‌ها از زمان پیامبر(ص)، کمیت معلومی داشته و یاران در هنگام قرائت نماز و عرضه قرآن از آن حضرت می‌آموخته‌اند و به گنج خانه خاطر می‌سپرده‌اند. (همانجا، ۸۵).

زمنخسری درباره فایده سوره سوره گشتن قرآن کریم، می‌نویسد: «بیان به مشابه جنس می‌تواند در قالب انواع و یا چوتان امری بسیط و یگانه ظهور و بروز یابد و پرواضح است که برای خوی تنوع خواه بشر، نوع نوع آمدنش، نیکوتر و خردمندانه‌تر است.» (همانجا، ۸۶؛ زمنخسری، ۱/۹۷-۹۸).

۲ - نام‌های سوره‌ها

«بر سوره‌ها از روزگار نزول وحی، نام‌هایی نهاده شده است، و هدف از نامگذاری، سهولت مراجعه و مذاکره بوده است. وحیث ابن عباس از پیامبر(ص) که: *أَنَّ النَّبِيَّ (ص) - إِذَا نَزَلَتْ الْآيَةُ - كَانَ يَقُولُ: «ضَعُوهَا فِي السُّورَةِ الَّتِي يُذَكَّرُ فِيهَا كَذَا: در سوره‌ای که در آن از فلان چیز یاد شده است، بنهیدش»*، و نمونه را، سوره بقره که،

«السورة التي تذكر فيها البقرة» خوانده می‌شده است، دلالت بر این نامگذاری دارد، و بر آن باید افزود احادیثی را که صراحتاً از نام موجود، مشهور و متداول سوره‌ها سخن رانده‌اند. و سودمندی این نامگذاری هنگامی است که نامی بر سوره نبند که اولاً؛ مایه تمیز و تشخیص آن از دیگر سوره‌ها گردد؛ ثانیاً؛ کلید واژه برجسته‌ای انتخاب شود که چون ظرفی گنجاننده و آینه‌ای شفاف دو مقوله زیر را در خود، جای و برای نگرندگانش بازتاب دهد:

الف: يك، چند یا همه مباحث مهم مطرح در سوره را.

ب: دست کم، يك لایه از طبقات مفاهیم موجود در قرآن را.

شماری از سوره‌ها - در حدود ۳۹ سوره - در احادیث نبوی و شمار بسیاری در اخبار صحابه و روایات امامان علیهم السلام به نام موجود، متداول و مشهور خود که نامی تک واژه‌ای (Single Word Name) است، نامیده شده‌اند. اما این باور نیز در میان برخی قرآن پژوهان وجود دارد که، اصل نام سوره‌ها، حالت وصفی داشته است و مثلاً می‌گفته‌اند: «السورة التي يذكر فيها كذا» [به جای سوره کذا]؛ پس از انتشار و عمومیت قرآن [مکتوب که ظاهراً بعد از تدوین و رواج مصحف امام در زمان عثمان بوده است]، موصول [و جمله صله به جز نایب فاعل] را حذف و در جای او مضاف را نشانده‌اند و مثلاً در عوض آن که بگویند: «السورة التي تذكر فيها البقرة» می‌گفته‌اند: «سورة ذكر البقرة»؛ سپس، مضاف را هم انداخته‌اند و مضاف إليه را جایش نشانده و گفته‌اند: «سورة البقرة». یا این که آنان [به طور کلی] مضاف را در نظر نگرفته و سوره را به چیزی اضافه کرده‌اند که در آن [سوره] مذکور افتاده است. برای مثال در صحیح بخاری از عایشه نقل شده است که: «لما نزلت الآيات من آخر البقرة ...». در همین جا، از ابن مسعود روایت شده است که گفت: «قرأ رسول الله (ص) النجم» همچنین از ابن عباس آمده است که گفت: «رسول الله (ص) سجد بالنجم» که گامی فراتر رفته، واژه «سورة» را نیز حذف، و به نام سوره، بسته کرده‌اند. (ابن عاشور، ۹۰).

مقدمان، نوعاً اشکالی نمی‌دیده‌اند که يك سوره را به تك واژه‌ای بنامند؛ چنانکه امروزه روز، سوره‌ها را چنین می‌نامند. بخاری در صحیح خود کتاب فضائل القرآن، بخشی گشوده‌است زیر عنوان «باب من لم ير بأساً أن يقول سورة كذا وسورة كذا: بخش معرفی کسانی که اشکالی نمی‌دیده‌اند بگویند: [سوره بقره و] سورة فلان وسورة بهمان». بخاری در همین بخش، احادیثی آورده است دال بر اینکه می‌گفته‌اند:

سوره بقره، سوره فتح، سوره نساء، سوره فرقان، سوره براءه، که برخی‌شان، گفته و سخن شخص پیامبر(ص) بوده است. بنابراین، گوینده حق دارد بگوید: «سورة البقرة» یا «السورة التي تذكر فيها البقرة»؛ «سورة النجم» یا «سورة و النجم». سورة النجم را خواندم یا سورة و النجم را، کما اینکه چنین تعبیراتی در حدیث «سجود در سورة نجم» از ابن عباس آمده است.

پیداست که صحابه پاره‌ای از سوره‌ها را به همان نامی نامیده‌اند که از پیامبر(ص)، در حافظه داشته‌اند. اساس این داوری آن است که نامگذاری برخی سوره‌ها در زمان پیامبر(ص)، امری روشن و بدیهی است؛ ولی در موارد دیگر، صحابه و دیگران، نامورترین نامها را عنوان سوره‌ها قرار داده‌اند؛ یعنی اسمهایی که مردم بدانها سوره‌ها را می‌شناخته و از یکدیگر تمیز می‌داده‌اند. در تحلیل و توجیه چگونگی و ماهیت نام سوره‌ها، برای نمونه به چند وجه اشاره می‌کنیم:

- ۱ - صفت اختصاصی يك سوره، نام آن شده است؛ مانند «الفاتحة».
- ۲ - واژه‌ای را که اختصاصاً در يك سوره آمده است، از سوره برگرفته‌اند و در جایگاه نام و عنوان سوره بر پیشانی همان سوره - در قالب ترکیبی اضافی - نشانده‌اند؛ که برخی مواردش عبارتند از: ۱ - «سورة المائة»، ۲ - «سورة الاعراف»، ۳ - «سورة الانفال»، ۴ - «سورة الحجر»، ۵ - «سورة النحل»، ۶ - «سورة الكف»، ۷ - «سورة طه»، ۸ - «سورة النمل»، ۹ - «سورة العنكبوت»، ۱۰ - «سورة الروم»، ۱۱ - «سورة لقمان»، ۱۲ - «سورة يس»، ۱۳ - «سورة ص»، ۱۴ - «سورة الزمر»، و ...

۳- واژه‌ای را که در يك سوره، الف) ير و پیمان آمده و درباره آن در مقایسه با سوره‌های دیگر، گسترده‌تر سخن گفته شده است؛ ب) بجئی ویژه درباره آن مطرح گشته که در سوره‌های دیگر - که همان واژه عیناً (مانند یوسف) یا با اندکسی تفاوت (مانند بقره) آمده است - چنان بجئی نظیر ندارد، برگرفته و به عنوان نام سوره بر جبین آن نشانه‌اند؛ مانند:

الف: «سوره هود» و «سوره ابراهیم». ب: «سوره البقره» و «سوره یوسف».

۴- واژه سوره، مضاف قرار گرفته است برای: الف) عین واژه‌ای که در يك سوره مذکور افتاده؛ ب) شکل دگرگون شده واژه‌ای که در يك سوره آمده؛ و در هر دو مورد ترکیب اضافی حاصل، عنوان سوره گشته است، مانند:

الف: «سوره التوبة (برائة)»، «سوره ق»، «سوره الطور»، «سوره الواقعة»،

«سوره الحاقه»، «سوره عبس» و ...

ب: «سوره التکویر»، «سوره الإنطار»، «سوره الإنشاق».

۵- برآیند مفهومی و چکیده يك سوره را برگرفته و عنوان آن سوره قرار داده‌اند؛ مانند: «سوره الاخلاص».

صحابه - نوعاً - نام سوره‌ها را در مصحف نمی‌گنجانده‌اند. آنان برای تشخیص دو سوره از هم، به آیه بسمله که در آغاز هر سوره خوش برنشسته، بسنده می‌کرده‌اند و علتش آن بوده است که خوش نمی‌داشتند ضمن قرآن چیزی بیاورند که خود، آیه‌ای از قرآن نباشد؛ تا مبدا این توهم پیش بیاید و به این گمان دامن زده بشود که آنان از پیش خود چیزی به قرآن افزوده‌اند. (رشید رضا و عبده، ۱۷۶/۱).

با وجود این، در الاتقان (سیوطی، ۱۷۶/۱) آمده که سوره بیّنه در مصحف اُبی ابن کعب صحابی پیامبر(ص)، زیر عنوان «سوره أهل الكتاب» مضبوط بوده است. این سخن می‌رساند که سوره‌ها در مصحف این صحابی، نام و نشان داشته‌اند و در عصر تابعان یا وجود آن که نام سوره‌ها را پیوسته و با نظم و نسق یگانه، در

مصاحف می‌نگاشتند، کسی را سراغ نداریم که بر این کار عیب و ایرادی گرفته باشد. مازری در شرح برهان، از قاضی ابوبکر باقلانی آورده است که چون مصاحف را می‌نگاشتند، نام سوره‌ها را با خطی دیگر می‌نوشتند تا از قرآن ممتاز باشد. (ابن عاشور، ۹۱).

برخی قرآن پژوهان بر این باورند که همه نام سوره‌ها توقیفی‌اند و از احادیث نبوی گرفته شده‌اند (الآبیاری، ۳۸۸/۱؛ سیوطی، الإیتقان، ۱۶۶/۱) که قطعاً چنین باوری نادرست است و جستجو و پژوهش نگارنده در جوامع حدیثی فریقین مؤید این نادرستی بوده است. برخی نیز بیان می‌دارند که بس، اسم مشهور سوره، توقیفی است. این سخن نیز کلام استواری نیست و موارد خلافتش - چه در نامهای مشهور و چه نامشهور - مشهود است.

بسیاری از سوره‌ها بیش از يك نام دارند که از آن میان يك نام مقبول‌تر افتاده و در نسخه‌های خطی و چاپی متعددی که در شرق و غرب و شمال و جنوب عالم اسلام پدید آمده، بر تارك هر سوره درخشیدن گرفته است. برخی تیز اختلاف و تعدد نامهای سوره‌ها (مانند توبه و براءة برای سوره نهم) را دلیل بر این می‌دانند که تسمیه تمام سوره‌ها شاید از عهد پیامبر(ص) نبوده است و در عین حال تأکید می‌کنند که بی‌شک عناوین سوره‌ها بسیار قدیمی است و مثلاً عنوان سوره بقره و سوره نور را یوحناي دمشقی نیز نقل کرده است و بنابراین پیش از ۷۵۰ م (۱۳۳ ق.)، این سوره‌ها قطعاً به همین نامها بوده‌اند. (مصاحب، ۱۳۶۹/۱).

۳ - طبقه‌بندی «Pearson»

خاورشناسان نیز، به قرآن و جوانب متعدّدش توجه ویژه‌ای داشته‌اند که برآیند کارشان در روش و نتیجه‌گیری واجد نکته‌های مثبت و منفی است. طبقه‌بندی جی. دی. پیرسون (Pearson J. D.) درباره‌ی خاستگاه قرآنی نام سوره‌ها را پس از

تصحیح و تدارك لغزشها، شماره‌گذاری و ترجمه آزاد، برای آشنایی با دیدگاه یکی از خاورشناسان درباره موضوع این پژوهش، به شرح زیر از نظر می‌گذرانیم:

۱ - نامها و عناوین مأخوذ از آیه نخست:

۱ - ۱ - بیشتر از نصف سوره‌های قرآن، نام خود را از کلید واژه‌هایی در آیه نخست یا آیه‌ای نزدیک به آن گرفته‌اند. شیوة کار، نامیدن سوره به کلمه ردیف (آخرین واژه آیه اول) است که در این سوره‌ها به چشم می‌خورد: طه، مؤمنون، روم، یس، قمر، واقعه، مزمل، قیامة، مطففین، بروج، غاشیة، فجر، بلد، ضحی، قدر، یئس، تکوین، عصر، فیل، قریش، کوثر، کافرون، فلق و ناس.

۱ - ۲ - در برخی سوره‌ها آیه نخست، تک واژه‌ای (single word) است که همان به عنوان واژه کلیدی آغازینی، برای سوره تیسر شده است. این سوره‌ها عبارتند از: «رحمان، حاقه، قارعة».

۱ - ۳ - در برخی سوره‌ها، نام سوره، حروف مقطعه رمزآلودند که آیه نخست همان سوره را تشکیل می‌دهند. این سوره‌ها عبارتند از: «طه و یس».

۱ - ۴ - در دو سوره، حروف مقطعه رمزآلود که بخشی از آیه نخست و کلیدواژه هستند و در صدر سوره نشسته‌اند، به عنوان نام سوره انتخاب شده‌اند. این دو سوره عبارتند از: «ص و ق».

۱ - ۵ - در برخی سوره‌ها، به جای کلمه ردیف، کلیدواژه‌های دیگر از آیه نخست، نام و عنوان سوره گردیده است؛ مانند این سوره‌ها: «صافات، نجم، قلم، مرسلات، عبس، تین، عادیات و...».

۲ - در برخی سوره‌ها، کلیدواژه‌ای از آیه دوم، نام سوره می‌باشد؛ مانند: «محمد، حشر، نبا».

۳ - در حدود يك سوم از سوره‌ها، کلیدواژه‌ای نام سوره است که در جایی از سوره - بجز آیه اول و دوم - آمده است و برخی کلید واژه‌ها، یگانه مورد ورودشان

در قرآن، بس، همان سوره‌ای است که به عنوان نام او بر پیشانی‌اش نشسته‌اند؛ مانند: سوره‌های «بقره، مائده، اعراف، حجر، نحل، کهف، شعراء و...».

۴ - بس، در دو سوره که بی‌رنگ داستانی دارند، و به قصه‌ای واحد پرداخته‌اند. کلیدواژه‌ی یگانه که نام محور و قهرمان اصلی داستان است، انتخاب و نام سوره گردیده است. این دو سوره عبارتند از: «یوسف و نوح».

۵ - در برخی سوره‌ها، از میان چند موضوع، یک عنوان را - بنابر ملاحظاتی - انتخاب کرده و نام سوره قرار داده‌اند؛ مانند سوره‌های: «آل عمران، نساء، یونس، هود، ابراهیم، مریم، حج، احزاب و سبأ».

۶ - نام برخی سوره‌ها در هیچ جای قرآن نیامده است. بیشتر ین نامها از فعلهایی اقتباس شده‌اند که در آغاز - میانه و حتی آیه‌های پایانی - سوره‌هایند: «اسراء، مجادله، ممتحنه، تحریم، تکویر، انفطار و انشقاق».

۷ - درباره برخی سوره‌ها می‌توانیم جداگانه و مستقل داوری کنیم، مثلاً نام «فاتحه» برای نخستین سوره قرآن بیانگر کارکرد و نقشی است که این سوره در طلوع کتاب خداوند ایفا می‌کند و نام سوره «انبیاء» نمایانگر زمینه و موضوع محوری مطرح در سوره است. و نام سوره «إخلاص» نشانگر جوهره راستین توحید یعنی پیراستن ظاهر و باطن از غیر و آراستن به گوهر معرفت و عبودیت خداوند است که چنین عنوانی، چکیده و برآیند مفهومی این سوره می‌باشد.

نتیجه آنکه، خاستگاه قرآنی نام سوره‌ها:

(الف) یا کلمه‌ای است در آغاز سوره، مانند: طور، قمر، عصر، مزمل و نبأ.

(ب) یا کلمه‌ای است در میانه سوره، مانند: حج، نور و لقمان.

(ج) یا کلمه‌ای است در انتهای سوره، مانند: ماعون، مسد و جمعه.

(د) یا کلمه‌ای است برگرفته از موضوعی - جالب توجه - در سوره، مانند: بقره،

یوسف، هود. و ابراهیم. (j.d. pearson, 5/41).

۴ - نامهای دیگر سوره‌ها

بسیاری از سوره‌های قرآن کریم، افزون بر اسامی موجود و متداول، شمار قابل ملاحظه‌ای نام و عنوان اغلب غیرمتداول دارند که عددشان در سوره‌های مختلف، همانند نیست؛ بلکه نوسان و تفاوت دارد و در مجموع از تنوع و چشم‌انداز جالب توجهی برخوردار است.

شماری از این نامها و عناوین سرچشمه‌ی روایی دارند و از برخی دیگر، در روایات، اثری دیده نمی‌شود و بیشتر زائیده‌ی ذوق، الهام و ذهنیت روشن دانش‌پژوهان، مفسران و ... بوده است و برپیش از دویست و پنجاه (۲۵۰) نام و عنوان بالغ می‌گردد.

۵ - طبقات مفاهیم نام سوره‌ها

مفاهیم اسماء السور، پیوند منطقی و معناداری با مفاهیم هم‌طبقه و هم‌اقق خود در قرآن کریم دارند؛ به گونه‌ای که نام سوره‌ها - بدین سان که اکنون برجبین سوره‌ها می‌درخشند - ، نقش تیتراها و عناوینی گویا را، به معنی دقیق کلمه، در بازتاب دادن مفاهیم کلی مطرح در قرآن کریم، ایضا می‌کنند. و هر يك برای خود، طبقه‌ای مخصوص دارند که در آن طبقه، رده‌بندی می‌شوند.

۱ - الفاتحة

- ۱ - ۱ - الحمد از نامهای مشهور بلکه از مشهورترین نامهای این سوره است که در احادیث، فراوان به چشم می‌خورد. در احادیث نبوی (مجلسی، ۲۴۲/۷۹ و ۹۸/۸۴) و در روایتی از امام علی (ع) (همو، ۱۰۶/۱۰ و ۱۹/۸۲)، امام حسین (ع) (همو، ۲۹/۶۱)، امام باقر (ع) (همو، ۲۶۲/۷۳)، امام صادق (ع) (همو، ۳۵۸/۱۸ و ۵۳/۷۹ و ۱۰۷/۸۴، ۲۳۹ و ۳۷۷/۸۸ و ۳۱۰/۹۸) و امام مهدی (ع) (همو، ۱۶۰/۵۳)، این نام مذکور افتاده است.
- در يك خبر که به حضرت عسکری (ع) نسبت داده شده، سوره فاتحة، به آیه نخست خود: «الحمد لله رب العالمين» نامیده شده است.
- سیوطی برای این سوره، «بیست و پنج (۲۵) نام برشمرده است؛ (الاتقان، ۱۶۷/۱ - ۱۷۱) که با اشاره به مأخذی که برای هر اسم ارائه داده است، ذیلاً می‌آوریم:
- ۱ - ۲ - فاتحة الكتاب، در حدیثی از پیامبر (ص): «وهی فاتحة الكتاب».
- ۱ - ۳ - فاتحة القرآن، نقل از مرسی با مورد پیشین به معنای «گشاینده و آغازگر کتاب و قرآن».
- ۱ - ۴ - ام الكتاب، (مجلسی، ۳۱۵/۸۶).^۱
- ۱ - ۵ - ام القرآن، هر دو در حدیثی مرفوع از پیامبر (ص) و به معنای «شالوده و اساس کتاب و قرآن».
- ۱ - ۶ - القرآن العظيم، در حدیثی از پیامبر (ص)، وبه معنای «قرآن بزرگ مقتدر».
- ۱ - ۷ - السبع المثانی، در حدیثی از پیامبر (ص) همراه با اشاره به وجود احادیث فراوان دیگر به معنای «هفتگانه مضاعف».

۱ - در این مأخذ، این نام به امام صادق (ع) نسبت داده شده است.

- ۱ - ۸ - الوافیة، سفیان بن عیینه چنین می‌نمایدش به معنای «کامل، تمام، تمام عیار، پرویمان، بی‌عیب و نقص، درست».
- ۱ - ۹ - الكنز (همانجا، / ۱۲۲ - ۱۲۳، ۱۷۰) در حدیثی مرفوع از پیامبر (ص) و به معنای «گنجینه، جواهر، گنج و گوهر و ثروت و مجموعه ارزنده ذخیر شده‌ای که مایه فخر و مباهات است».
- ۱ - ۱۰ - الکافیة، بدون ذکر مأخذ. به معنای «بس، بسنده، کافی و شایسته و رسا».
- ۱ - ۱۱ - الأساس، بدون ذکر مأخذ. به معنای «پایه، بنیاد، بنیان و بنیاد و زمینه».
- ۱ - ۱۲ - النور، بدون ذکر مأخذ. به معنای «روشنی و روشنای، هدایت».
- ۱ - ۱۳ - سورة الحمد، به صورت ترکیب اضافی بدون ذکر مأخذ. یعنی «سورة ستایش». به این نام که پس از نام مرسوم و معروف سورة (الفاتحة) اهمّ و أشهر نامهای سورة است، ذیل شماره ۱ - ۱ - اشاره و مأخذش را ذکر کرده‌ایم. مأخذ اصلی این نام خود قرآن است یعنی از نخستین آیه سورة گرفته شده است.
- ۱ - ۱۴ - سورة الشکر، بدون ذکر مأخذ. به مفهوم «سورة سپاس و تشکر و حق‌شناسی».
- ۱ - ۱۵ - سورة الحمد الأولى، بدون ذکر مأخذ. یعنی «نخستین سورة ستایش».
- ۱ - ۱۶ - سورة الحمد الفصری، بدون ذکر مأخذ. یعنی «کهن (= کوچکترین) سورة ستایش».
- ۱ - ۱۷ - الرقیة، در حدیثی از پیامبر (ص) به معنای «طلسم، تعویذ، دفع‌کننده چشم زخم، رفع‌کننده آفت و بلا، شکننده بازار ساحری (سحرشکن)».
- ۱ - ۱۸ - الشفاء در دو حدیث از جابر بن عبدالله و حدیثی از ابو سعید خدری (سیوطی، الإقتان، ۱۱۵۴/۲)، به معنای «تدرستی دادن و از بیماری رهایی‌بخش، دارو، درمان».

۱ - ۱۹ - الشافية، این نام - ظاهراً - برگرفته از مدلول احادیث عنوان «الشفاء» و به معنای علاج‌کننده، شفابخش، التیام دهنده و رهاکننده از بیماری است.

۱ - ۲۰ - سورة الصلاة، به صورت ترکیب اضافی بدون ذکر مأخذ. یعنی «سورة نماز».

۱ - ۲۱ - الصلاة، به صورت بسیط در حدیثی قدسی یعنی «نیاز و نیایش و نماز».

۱ - ۲۲ - سورة الدعاء، بدون ذکر مأخذ. به معنای «سورة نیاز و نیایش و تقاضا».

۱ - ۲۳ - سورة السؤال، بدون ذکر مأخذ. یعنی «سورة خواهش و طلب و تمنا».

۱ - ۲۴ - سورة تعليم المسئلة، (= السؤال) بدون ذکر مأخذ. یعنی «سورة آموزش خواهش، طلب و تمنا».

۱ - ۲۵ - سورة المناجاة، بدون ذکر مأخذ. یعنی «سورة رازگویی و درد دل گفتن و راز و نیاز کردن».

۱ - ۲۶ - سورة النفیض، بدون ذکر مأخذ. یعنی «سورة نمایندگی دادن و سپردن و محول کردن - امور به خداوند -».

چنان که مذکور افتاد، مأخذ همه این نامها - خواه آنها که مبنای روایی دارند و خواه نامهایی که فاقد مستند روایی اند - الاتقان فی علوم القرآن، نگاشته جلال‌الدین عبدالرحمان سیوطی است که بی‌گفتگو، یکی از نامدارترین قرآن پژوهان در طول تاریخ است.

۲ - البقرة

۲ - ۱ - الزهراوان (ابن حنبل، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۴۹/۵، دارمی، ۸۴۶؛ سیوطی، الاتقان، ۱/۱۷۲) (مثنای الزهراء) با آل عمران، در حدیثی از پیامبر (ص) یعنی «دو درخشان، دو فروزان، دو نورانی و تابان».

۲ - ۲ - سنم القرآن، در حدیثی از پیامبر (ص) (ابن حنبل، ۲۶؛ سیوطی، الاتقان، ۱۷۱؛ ابن عاشور، ۲۰۱) یعنی «کوهان بلند و برجسته قرآن».

۲ - ۳ - ذروة القرآن، در حدیثی از پیامبر (ص) با این تعبیر: «ذروته» که ضمیر متصل به قرآن باز می‌گردد. (ابن حنبل، ۲۶؛ سیوطی، الاتقان، ۱۷۱؛ ابن عاشور، ۲۰۱) به معنای «قله فرازند قرآن».

۲ - ۴ - فسظاط القرآن، در حدیثی مرفوع در مسند الفردوس. (سیوطی، الاتقان، ۱۷۱) یعنی «خیمه و خرگاه قرآن». ابن عاشور، این نام را به خالد بن معدان که از صحابه بوده نسبت داده است.

۲ - ۵ - «السورة التي يذكر فيها البقرة». (طبرسی، مجمع البیان، ۲۸۶/۷) در حدیثی از پیامبر (ص) یعنی «سوره‌ای که در آن «مادینه گاو (= بقره = فراخ شماخ)» مذکور افتاده است».

۳ - آل عمران

۳ - ۱ - الزهراوان، یا بقره. (ابن حنبل، ۲۴۹/۵، ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۵۷؛ دارمی، ۸۴۶؛ سیوطی، الاتقان، ۱۷۲) «دو نورانی و تابان، دو درخشان، دو فروزان».

۳ - ۲ - طیبة، روایت سعید بن منصور در سننش از ابی عطف که اسم سوره آل عمران را در تورات، چنین شناسانده است؛ (سیوطی، الاتقان، ۱۷۱ - ۱۷۲) یعنی «خوش، پسندیده، نیک، ممتاز، ارجمند، پاک».

۴ - النساء

۴ - ۱ - النساء الطولی، یعنی «بلندتر - سوره - زنان». این سوره در کلام پیشینیان «سورة النساء» نامیده شده است. در مصاحف، مکتوبات روایی و کتابهای تفسیر نیز، بدینسان اسم برده شده‌است؛ اما از آنچه که در صحیح بخاری از ابن مسعود نقل شده و ضمن آن سوره طلاق، «سورة النساء القصری» (کوتاه‌تر سوره زنان) خوانده شده است، چنین بر می‌آید که سوره طلاق با این سوره در عنوان نساء مشترك است و این سوره را با عنوان «سورة النساء الطولی» از سوره طلاق باید تمیز داد.

ابن عاشور پس از بیان این مطلب می‌افزاید: *أما من صریحاً به چنین نامی بر نخورده‌ام و از آن آگاهی ندارم.* (ابن عاشور، ۲۱۱/۴).

۴ - ۲ - النساء الکبری، (مهین = بزرگتر - سوره - زنان)، در کتاب «بصائر ذوی التمییز» آمده که این سوره، «سورة النساء الکبری» و در برابر، سوره طلاق، «سورة النساء الصغری» کیهن (= کوچکتر) سوره زنان نامیده می‌شده است. ندیدم که شخص دیگری هم چنین گفته باشد. «هماحبا به نقل از فیروزآبادی در بصائر ذوی التمییز، ۱۶۹، خبر ۱۶».

۵ - المائدة

۵ - ۱ - المنقذة، در حدیثی از پیامبر (ص)، (قُرطبی، ۳۰/۶) به معنای «ناجی، رهایی بخش و رستگارکننده» ابن الفرس گوید: زیرا که صاحب خود را از فرشتگان عذاب می‌رهاند. (سیوطی، الاتقان، ۱۷۲؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۷۹۴/۴).

۵ - ۲ - العقود، بدون ذکر مأخذ. (طبرسی، مجمع‌البیان، ۷۹۴/۴؛ سیوطی، الاتقان، ۱۷۲) به معنای «عهد و میثاقها، معاهده‌ها، قراردادهای، ضمانتها و تعهدنامه‌ها»؛ این واژه در آیه نخست همین سوره، مذکور افتاده است.

۶ - الأنعام، نامی دیگر یافت نشد.

۷ - الأعراف

۷ - ۱ - المیقات به معنای «هنگام وعده و ملاقات».

۷ - ۲ - المیثاق به مفهوم «عهد و پیمان استوار».

فیروزآبادی بیان داشته است که این سوره «سورة المیقات» نامیده می‌شود، چون در آیه «و لما جاء موسی لِمیقاتنا... (اعراف/۱۴۳)» از آمدن موسی به میقات (ملاقاتگاه) الهی، سخن رفته است. همچنین این سوره، «سورة المیثاق» خوانده

می‌شود، از آن روی که در آیه «و إذ أخذ ربك من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم وأشهدهم علی أنفسهم ألسنت بریکم قالوا بلی شهدنا ... (اعراف/۱۷۲)»، از میثاق (عهد و پیمان استوار انسان با خداوند) سخن رفته است. (ابن عاشور، ۶/۸).

۸- الأنفال

۸- ۱ - سورة بدر، در خبر اصحاب. سعید بن جبیر گوید از ابن عباس درباره این سوره پرسیدم و بر زبان راندم: «سورة الأنفال؟» ابن عباس گفت: «تلك سورة بدر». این نام از نوع نامیدن سوره به مکانی است که سوره - به قولی - بالجمله در آن جا نازل گشته است. (سیوطی، الإتقان، ۱۷۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۷۹۴/۴).

۹- التوبة

۹- ۱ - براءة، در کثیری از مصحفها و در کلام سلف و ...، این سوره، براءة نامیده شده است. (ابن عاشور، ۹۵/۱۰) که به معنای «اعلام بیزاری» و مراد «سلب مسئولیت و بی اعتبار ساختن پیمان طرف مقابل - یعنی مشرکان - است.»
ثعلبی، مسنداً (با سند پیوسته) از عایشه از رسول خدا (ص) چنین آورده است:
«ما نزل علی القرآن الا آية آية و حرفاً حرفاً خلا سورة البراءة و قل هو الله احد فإتھما نزلتا علیّ و معھما سبعون ألف صفّ من الملائكة كلّ يقول «یا محمد! إستوص بنسبة الله خيراً» - قرآن بر من حرف به حرف و آیه به آیه نازل گشت مگر سورة براءة و قل هو الله احد. این دو، درحالی بر من نازل شدند که فرشتگان در هفتاد هزار صف آن دو را همراهی می‌کردند و هر يك می‌گفتند. «ای محمد! به نیکی به توصیف پروردگارت سفارش کن.» (طبرسی، مجمع البیان، ۴/۵).

در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «الأنفال و براءة واحد.» نظیر این خبر از سعید بن مسیب هم نقل شده است. (همو، همانجا) بر زبان صحابه نیز نام براءة رفته است. در اخباری از ابی بن کعب (ابن حنبل، ۱۳۴/۵)، براء بن عازب (بخاری،

۱۵۸۶/۴، ۱۶۸۲)، ابن عباس و عثمان بن عفان (ترمذی، ۲۷۲/۵؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۴/۵)، انس بن مالک (ترمذی، ۲۷۵)، عمر (طبرسی، مجمع‌البیان، ۳؛ بخاری، ۱۸۵۲؛ سیوطی، الإِتقان، ۱۷۲)، در قصه حج گزاردن مردم با ابوبکر و ضمن خبری صحیح که ابوهریره گفته است: «... در میان اهل مینا علی بن ابی طالب (ع)، براءة را مکرر اعلام کرد،» (ابن عاشور، ۹۵/۱۰).

در صحیح بخاری، از زید بن ثابت روایت شده است: «آخرین سوره‌ای که فرود آمد، سوره براءة بود.»

بخاری، در کتاب التفسیر صحیح خود، عنوان سوره توبه را، براءة نهاده و نوشته است: «باب تفسیر سورة براءة.» نامیدن سوره توبه به براءة، از گونه نامگذاری يك سوره به نخستین واژه اوست. (هجو، همانجا).

۹ - ۲ - الفاضحة، سعید بن جبیر گوید به ابن عباس گفتم: «سورة التوبة» بی‌درنگ گفت: «تلك الفاضحة: - بله - آن رسواگر است. همواره نازل می‌شد تا آنجا که بیمناک شدیم یکی‌شان (منافقان) را از قلم نیاندازد و نام ببرد.»

این سوره را فاضحه نامند از آن روی که دو چهرگان را با آشکار کردن دو روی‌شان، مفتضح ساخته است. (طبرسی، مجمع‌البیان، ۳/۵؛ بخاری، ۱۸۵۲/۴) ابوالشیخ از عکرمه نقل کرده است که عمر گفت: «- پیامبر (ص) - هنوز از نزول براءة فارغ نشده بود و ما می‌پنداشتیم [با ادامه نزول] يك تن از ما باقی نخواهد ماند که درباره وی چیزی نازل نشود!!!» (طبرسی، مجمع‌البیان، ۷۹۴/۴؛ سیوطی، الإِتقان، ۱۷۲/۱).

۹ - ۳ - العذاب، حذیفة بن یمان گوید: سوره توبه خوانندش حال آنکه سوره عذاب است از آن روی که برای عذاب کافران نازل گشت. (طبرسی، مجمع‌البیان، ۳/۵؛ سیوطی، همانجا).

۹ - ۴ - المبعثرة، منسوب به ابن عباس، زیرا که رازهای منافقان را می‌کاود و زیر و رو می‌کند.

۹ - ۵ - *المقشقة*، منسوب به ابن عباس، و به معنای پیراینده، چنینش نامیدند، زیرا کسی را که بدان بگردد - و دل بندد - از نفاق و شرک امین می‌کند و سالم می‌دارد و از آن روی که در آن به یکتایی (اخلاص) و پیراستن وجود از غیر خداوند، فراخوانده‌اند.

۹ - ۶ - *المدممة*، از سفیان بن عیینة، به معنای نابوده‌کننده و ویرانگر - باطل - .
 ۹ - ۷ - *الحافرة*، از حسن [بصری] زیرا ده‌های منافقان را می‌کند و آنچه را پوشانده‌اند هویدا می‌سازد. یادآور می‌شویم که حسن از تابعان بوده است.
 ۹ - ۸ - *المثيرة*، از قتادة (تابعی)، چون رسوایی‌ها و زشتی‌هایشان را جستجو و آفتابی می‌کند.

۹ - ۹ - *المنقرة*، از عبید بن عمیر نقل شده است. به معنای کاونده چون آنچه را در دل مشرکان است می‌کاود، «تا سیه روی شود هر که در او غش باشد».
 ۹ - ۱۰ - *الكاشفة*، به نظر می‌رسد چنین نامیده شده است چون از اسرار نهفته دو سیمایان مزور پرده بر می‌دارد و رازهای سر به مهرشان به عالم، سمر کند، «وین راز سر به مهر، به عالم سمر شود.» یعنی اسرار منافقان آشکار و نقل محافل و مجالس می‌گردد.

۹ - ۱۱ - *المنكئة*، به معنای باز دارنده و دور کننده، چون متعمق در آیاتش را از حق پوشی، تزویر و دورویی دور می‌کند. این عنوان به معنی عقوبت‌گر و تشبیه‌گر نیز هست، چون کافران و منافقان را می‌آزارد و گوشمالی می‌دهد «گوشمالی بیند از قرآن که اینش پند بس!». (طبرسی، *مجمع البیان*، ۳/۵ - ۴؛ سیوطی، *الإتقان*، ۱/۱۷۲ - ۱۷۳؛ ابن عاشور، ۹۵/۱۰؛ شحاته، ۱۸۴).

۱۰ - *یونس*، نامی دیگر یافت نشد.

۱۱ - *هود*، نامی دیگر یافت نشد.

۱۲ - *یوسف*، نامی دیگر یافت نشد.

۱۳ - الرعد، نامی دیگر یافت نشد.

۱۴ - ابراهیم، نامی دیگر یافت نشد.

۱۵ - الحجر، نامی دیگر یافت نشد.

۱۶ - النحل

۱۶ - ۱ - النعم، این نام را از قتاده، نقل کرده‌اند. ابن الفرس در توجیه این نامگذاری گفته است: «چون خداوند در این سوره، نعمتهایش را بر بندگان خود برشمرده است». (سیوطی، الإیتقان، ۱۷۳؛ ابن عاشور، ۹۳/۱۴) حافظ شیرین سخن، به این کلمه، اشاره‌ای لطیف و دلنشین دارد: «شرح انعام تو الحق پر عجایب دفتری است بنده یا رب کی تواند کرد شکر این نعم» (حافظ، ۲۸۳).

۱۷ - الإسراء

۱۷ - ۱ - بنی‌اسرائیل، این نام در آخباری از امام علی (ع) (مجلسی، ۲۸۱/۱۷)، امام زین‌العابدین علی بن حسین (ع) (همو، ۱۶۶/۴۵)، امام باقر (ع) (همو، ۸۷/۶۶)، امام صادق (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۶۰۷/۶)، بیان شده‌است. به نظر می‌رسد از عصر صحابه، از سوره با این نام، اسم می‌برده‌اند. (ابن عاشور، ۵/۱۵). از عایشه روایت شده است: «کان النبی (ص) لاینام حتی یقرأ الزمر و بنی اسرائیل»: پیامبر (ص) تا زمر و بنی اسرائیل را نمی‌خواند، سر به بالین نمی‌نهاد». (ترمذی، ۵۷۵/۵؛ حاکم نیشابوری، ۴۷۲/۲؛ سیوطی، الإیتقان، ۱۷۳/۱).

علت این نامگذاری آن است که در این سوره مطالبی درباره‌ی اوضاع و احوال بنی‌اسرائیل ذکر شده که در سوره‌های دیگر، نظیر آن مذکور نیفتاده است. این مطالب درباره‌ی چیره شدن گروهی سخت‌نیرومند (= آشوریان) و پس از آن تسلط قوم دیگری (روم)، بر آنان (= بنی‌اسرائیل) است.

همچنین بخاری در کتاب التفسیر از صحیح خود و ترمذی در ابواب التفسیر سننش، از این سوره با عنوان «بنی اسرائیل» یاد کرده‌اند. (ابن عاشور، همانجا)

۱۷ - ۲ - سورة سبحان نیز نامیده شده است. (سیوطی، همانجا) زیرا سوره، با این واژه آغاز می‌شود. این مطلب، در کتاب «بصائر نوى التمييز» اثر فیروزآبادی، آمده است. (ابن عاشور، همانجا).

۱۸ - الكهف

۱۸ - ۱ - سورة أصحاب الكهف، این نام در حدیثی از پیامبر (ص) (قرطبی، ۳۴۶/۱۰؛ طبرسی، مجمع البیان، ۶/۶۹۰؛ سیوطی، همانجا؛ ابن عاشور، ۲۴۱/۱۵)، آمده است. این عنوان، در همین آیه همین سوره مذکور افتاده است: «أم حسب أن أصحاب الكهف و الرقيم كانوا من آياتنا عجبا».

۱۹ - مريم

۱۹ - ۱ - سورة كهيعص، ابن عباس، این سوره را چنین نامیده است. همچنین در صحیح بخاری، سوره مريم، چنین نامیده شده است. اما سیوطی در الاتقان سوره مريم را در شمار سوره‌هایی که بیش از يك نام دارند بیاورده و شاید، علت آن بوده که این یکی را نام غی دانسته است. (ابن عاشور، ۵۷/۱۶) این عنوان که از حروف مقطعه آغازگر بعضی سوره‌هاست، آیه نخست سوره مريم را تشکیل می‌دهد.

۲۰ - طه

۲۰ - ۱ - سورة الكليم، این نام را سخاوی در جمال القراء آورده است. (سیوطی، همانجا).

۱ - بدون آنکه از راوی یا مأخذ این نام، یاد کند.

۲۰ - ۲ - سورة موسى، این نام را هذلی در «الکامل» ذکر نموده است. (ابن عاشور، ۱۶/۱۷۹). این نام، هفده بار در سورة «طه» مذکور افتاده است.

۲۱ - الأنبياء، نامی دیگر یافت نشد.

۲۲ - الحج، این سوره را، نامی جز این نباشد. (ابن عاشور، ۱۷/۱۷۹).

۲۳ - المؤمنون

۲۳ - ۱ - سورة قد افلح، چنین نامی برای این سوره، بر زبانها رفته و شنیده شده است، (همو، ۵/۱۸) چون سوره با همین دو واژه آغاز گشته است.

۲۴ - النور، این سوره را، نامی جز این نباشد. (همو، همانجا، ۱۳۹).

۲۵ - الفرقان

۲۵ - ۱ - تبارک الفرقان، ادب آموزان تونسسی چنین می‌نامندش، همچنانکه سورة ملك را «تبارک» و «تبارک الملك» می‌نامند، (همانجا، ۳۱۳) بدان جهت که با این واژگان آغاز گشته‌اند.

۲۵ - ۲ - تبارک الذي نزل الفرقان على عبده، در روایتی از امام رضا (ع). (طبرسی، مجمع البیان، ۷/۲۵۰).

۲۶ - الشعراء

۲۶ - ۱ - سورة طسم (طواسین)، قال رسول الله (ص): «اعطيت طه و طواسین من الواح موسى» بدین اعتبار که، نخستین آیه این سوره «طسم» است. همچنین در

۱ - از آیه نخست سورة فرقان گرفته شده است.

روایتی از امام صادق (ع) سوره شعراء، زیر عنوان «طواسین» اسم برده شده است. (همانجا، ۲۸۶؛ ابن عاشور، ۸۹/۱۹) و در روایتی از امام باقر (ع)، زیر عنوان «طسم». (مجلسی، ۸۸/۶۶). در قرآن، دو سوره با «طسم» شروع می‌شوند: «شعراء و قصص (۲۸)» و يك سوره با «طس»: «نمل (۲۷)».

۲۶ - ۲ - الجامعة، در احکام ابن العربی چنین نامیده شده و ابن کثیر و سیوطی آن را به تفسیری که از مالک بن انس روایت شده است، نسبت داده‌اند و شاید علت چنین تسمیه‌ای آن باشد که این سوره نخستین سوره‌ای است که پیامبران صاحب شریعت را تا شریعت حضرت محمد (ص)، در خوزه جمع آورده است. (ابن عاشور، ۱۰۶/۱۹).

۲۷ - النمل

۲۷ - ۱ - سورة سليمان، سیوطی بی‌ذکر راوی و مأخذ، این نام را آورده است. سبب چنین نامگذاری آن است که مطالب گسترده‌ای پیرامون زمامداری سلیمان (ع) در این سوره مذکور افتاده که نظیر آن در سوره‌های دیگر نیامده است. (همانجا؛ ابن عاشور، همانجا، ۲۱۵).

۲۸ - القصص، این سوره را، نامی جز این نباشد. (ابن عاشور، ۶۱/۲۰).

۲۹ - العنکبوت، نامی دیگر یافت نشد.

۳۰ - الروم، نامی دیگر یافت نشد.

۳۱ - لقمان، این سوره را، نامی جز این نباشد. (همو، ۱۳۷/۲۱).

۳۲ - السجدة

۳۲ - ۱ - الم تنزیل، از جابر بن عبدالله روایت شده است: «النبي (ص) كان لا ينام حتى يقرأ الم تنزیل و...». (همانجا، ۲۰۱؛ طبرسی، مجمع البيان، ۵۰۸/۸).

نسائی، ۱۲۴/۳ - در روایتی از ابن عباس؛ مجلسی، ۱۶۹/۸۲ - ضمن روایتی از امام صادق (ص) و ۲۹۳/۸۴ - در روایتی از صادقین (ع). «الم» آیه نخست این سوره است و «تنزیل»، واژه نخست در آیه دوم آن.

۳۲ - ۲ - الم تنزیل السجدة، در صحیح بخاری از ابو هریره نقل شده است: «كان النبي (ص) يقرأ يوم الجمعة في صلاة الفجر «الم تنزیل السجدة» و...».

یادآوری: آیه اول و دوم سوره سجده چنین‌اند: «الم تنزیل الكتاب لاریب فیہ من رب العالمین ۲». بخاری در صحیح، از این سوره زیر عنوان «سورة تنزیل السجدة» سخن گفته است. (ابن عاشور، ۱۳۷/۲۱؛ ابن حنبل، ۱/۳۴۰، ۳۵۴، ۳۶۱؛ نسائی، ۴۹۵/۲؛ ابن ماجه، ۲۹۶/۱؛ دارمی، ۸۵۱؛ مجلسی، ۱۰۷/۸۴ و ۲۱۲/۸۶ و ۴۱۵/۹۵).

۳۲ - ۳ - سجدة لقمان، چنینش نامیده‌اند چون این سوره، سر در پی سوره لقمان دارد و نیز، برای آن که با سوره «حم السجدة» (فصلت) اشتباه نشود، چنان که سوره «حم السجدة» (فصلت) را نیز، چون سر بر پی سوره مؤمن (= غافر) داشته است، «سورة سجدة المؤمن» نام داده‌اند.

۳۲ - ۴ - المضاجع، سیوطی بی‌ذکر راوی و مأخذ، این نام را آورده است. (سیوطی، الإیتقان، ۱/۱۷۳). این نام در شانزدهمین آیه سوره آمده است و به معنی خوابگاهها می‌باشد.

۳۳ - الأحزاب، این سوره را، نامی جز این نباشد. (ابن عاشور، ۲۴۵/۲۱).

۳۴ - سبأ، نامی دیگر یافت نشد.

۳۵ - فاطر

۳۵ - ۱ - سورة الملائكة، در صحیح بخاری، سنن ترمذی و در بسیاری مصحفها و تفسیرها، چنین آمده است و لاغیر. سیوطی، هر دو نام (مشهور و نامشهور) را

برای سوره ذکر کرده است. وجه تسمیه سوره به این نام، آن است که در آغازش از فرشتگان توصیفی کرده است که در سوره‌ای دیگر نظیر آن دیده نمی‌شود: «الحمد لله فاطر السموات و الأرض جاعل الملائكة رسلاً أولی أجنحةً مثنی و ثلاث و رباع یزید فی الخلق ما یشاء إن الله علی کل شیء قدیر (فاطر/۱)؛ سپاس خدای را که پدید آورنده آسمان و زمین به گونه‌ای بدیع و مبتکرانه است [و] فرشتگان را که دارای بالهای دوگانه و سه گانه و چهارگانه‌اند پیام آورنده قرار داده است. در آفرینش، هر چه بخواهد می‌افزاید، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست» (همو، ۲۴۷/۲۲؛ سیوطی، الإیتقان، ۱/۱۷۴).

۳۶- یس

۳۶- ۱- قلب القرآن. برخی از پیشینیان. این سوره را چنین نامیده‌اند که نامی نامشهور است و مبتدای آن وصفی بوده که در قول منسوب به پیامبر (ص) از سوره شده است: «إن لكل شیء قلب، وقلب القرآن یس». این حدیث را ترمذی از انس بن مالک روایت کرده است. (ابن عاشور، ۲۴۱/۲۲، سیوطی، همانجا).

۳۶- ۲- سورة حبيب النجار. ابن عاشور گوید: «مصحفی شرقی را دیدم که به سال ۱۰۷۸- به گمانم - در بلاد عجم نگاشته، و در آن چنین نامی بر سوره نهاده شده بود. این نام، قهرمان ماجرای است که با آیه ذیل، فصل دوم و بخش حساس آن آغاز می‌شود: «وجاء من أقصا المدينة رجلٌ یسعی... (یس/۲۰)؛ و [در این میان] مردی از دورترین جای شهر دوان دوان آمد...». این نامگذاری، شگفت و ناآشناست که سندی برایش سراغ نداریم و نسخه بردار این مصحف در بیان نام سوره‌ها، رهی مخالف مشهور نبوییده، مگر در این سوره و در «سوره تین» که «سوره زیتون» نامش نهاده است. (ابن عاشور، همانجا).

۳۷ - الصافات

۳۷ - ۱ - سورة الذبیح، سیوطی گوید: «در کلام جَعَبَری دیدم که سوره صافات، «سورة الذبیح نامیده شده است.» و لیک این سخن به مستندی روایی نیازمند است. وجه تسمیه سوره به این نام آن است که در سوره (آیه ۱۰۲ - ۱۰۸)، از مساجرای قربان شدن حضرت اسماعیل (ع) سخن رفته و ذبیح به معنی قربانی است. (همو، ۸۱/۲۳).

۳۸ - ص

۳۸ - ۱ - داود، سیوطی در الإیتقان از کتاب جمال القرآن نگاشته سخاوی، چنین آورده است: «سوره ص، سوره داود نیز خوانده می‌شود.» و برای این نامگذاری، سندی ذکر نکرده است. (همو، همانجا، ۲۰۱؛ سیوطی، الإیتقان/۱۷۸). سبب این نامگذاری به نظر می‌رسد این باشد که در سوره مزبور از داود و فرزندش سلیمان مکرراً سخن رفته، و در آیه‌های ۱۷، ۲۲، ۲۴، ۲۶ و ۳۰، آشکارا از او نام برده شده است.

۳۹ - الزمر

۳۹ - ۱ - سورة العرف، در تفسیر قرطبی درباره وهب بن منبه آمده است که او این سوره را «سورة العرف» می‌نامیده است و مفسرانی هم، از یکدیگر و در نهایت از او، این نام را بازگو کرده‌اند. سبب این نامگذاری آن بوده که واژه «العرف» با ساختار صرفی جمع مکسر، بس در این سوره مذکور افتاده است: «لکن الذین اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف مبنیة... (زمر: ۲۰): لیکن کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند، برای آنها غرفه‌هایی است که بالای آنها غرفه‌هایی [دیگر] بنا شده است...». (ابن عاشور، ۳۱۱/۲۳؛ سیوطی، الإیتقان، ۱/۱۷۴).

۱ - «عُرفه» که جمع آن «عُرف» است، به معنای «خانه‌های بلند مرتبه رفیع» به مثل: برج و آبارتمان می‌باشد.

۴۰ - غافر

۴۰ - ۱ - حم المؤمن، این نام در احادیثی از پیامبر (ص) (ابن عاشور، ۷۵/۲۴)، ابن عباس (مجلسی، ۳۸۳/۱۸) و امام باقر (ع) (طبرسی، مجمع البیان، ۷۹۸/۸) مذکور افتاده است. سیوطی بی ذکر مأخذ، همچنین نام «المؤمن» را برای آن ذکر نموده است. (سیوطی، همانجا).

بخاری در «صحیح» و ترمذی در «الجامع»، همین عنوان را برای سوره نوشته‌اند. و سبب چنین نامگذاری آن بوده که در این سوره، قصه مؤمن آل فرعون مذکور افتاده است: «و قال رجل مؤمن من آل فرعون یکتُم ایمانه... (غافر: ۲۸): و مرد مؤمنی از خاندان فرعون - که ایمان خود را نهان می‌داشت - گفت:...».

۴۰ - ۲ - سورة الطول، چنین نامیده شده چون در آغاز سوره آمده است «ذی الطول (غافر: ۳): [خداوند] فراخ نعمت» اکنون دیگر این نام از یادها رفته و دانسته نیست مأخذ و راوی این نام چه و که بوده است. (همو، همانجا؛ ابن عاشور، همانجا).

۴۱ - فصلت

۴۱ - ۱ - السجدة، سیوطی بی ذکر مأخذی این نام را آورده است. (سیوطی، الإیتقان، ۱۷۴/۱). برخی بر آنند که این نام، کوتاه شده «حم السجدة» است. (ابن عاشور، ۷۵/۲۴).

۴۱ - ۲ - حم السجدة، در این نام، «حم» به «السجدة» اضافه شده و در صحیح بخاری و در جامع ترمذی، سوره با همین عنوان نشان دار شده است. این سوره، چنین نامگذاری شده است، تا از سوره‌هایی که با «حم» آغاز شده‌اند متمایز گردد. از طریق اشاره به این نکته که در این سوره «حم» دار، یکی از سجده‌های قرآن قرار

۱ - در سرتاسر قرآن کریم، در آیه نخست ۷ سوره، «حم» به چشم می‌خورد. این سوره‌ها عبارتند از: «غافر، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه و احقاف». در همه این سوره‌ها، «حم» خود به تنهایی یک آیه تمام است.

گرفته است. در احادیثی از امام صادق(ع) و امام باقر(ع)، این نام مذکور افتاده است. (ابن عاشور، همانجا؛ مجلسی، ۱۱۴/۳۶، و ۶۴/۷۸ و ۱۶۹/۸۲ - ۱۷۰، ۱۷۴ و ۳۱۵/۸۶).

۴۱ - ۳ - سجدة المؤمن، این نام را کواشی در «التبصرة» آورده است. سبب این نامگذاری، اراده تشخیص و تمیز سوره فصلت با نام نامشهور «سجدة»، از سوره «سجدة» - که نام مشهور سوره دیگری است - بوده است. و با این هدف، کلمه «سجدة» به سوره‌ای که پیش از سوره فصلت قرار دارد یعنی سوره «المؤمن» [= غافر] اضافه شده است. چنانکه سوره «السجدة» را نیز با عنوان «سجدة لقمان» از «سجدة المؤمن» [= فصلت] متمایز ساخته‌اند، چون که پس از سوره لقمان قرار گرفته است. (ابن عاشور، ۲۲۸/۲۴) و خلاصه آن که با عنوان «سجدة المؤمن»، خواسته‌اند بگویند سوره سجده‌ای که سر دربی سوره مؤمن دارد، یعنی سوره فصلت؛ و با عنوان «سجدة لقمان» در جای دیگر، خواسته‌اند بگویند سوره سجده‌ای که سر در پی سوره لقمان دارد، یعنی سوره سجدة (نام مشهور و مرسوم سوره).

۴۱ - ۴ - سورة المصاییح، این نام از کواشی نقل شده و سبب نامگذاری، آن بوده که در سوره آمده است: «... و زینا السماء الدنيا بمصاییح... (فصلت: ۱۲)؛ ... و آسمان دنیا را به چراغها آذین کردیم...». (همو، همانجا، ۲۲۷؛ سیوطی، الإیتقان، ۱/۱۷۴).

۴۱ - ۵ - سورة الأوقات، این نام نیز از کواشی نقل شده و سبب نامگذاری آن بوده که در سوره آمده است: «... خلق الأرض فی یومین... و بارک فیها و قدر فیها أوقاتها فی أربعة آیام سواء للسائلین (فصلت: ۹ - ۱۰)؛ ... زمین را در دو هنگام (= دوره) آفرید... و در آن خیر فراوان نهاد، و مواد خوردنی (رزق و روزی‌های) آن را در چهار روز (= مرحله زمانی) اندازه‌گیری کرد [که] برای خواهندگان درست [و متناسب با نیازهایشان] است». (ابن عاشور، ۲۲۷/۲۴).

۴۲ - الشوری

۴۲ - ۱ - سورة حم عسق، سوره نزد پیشینیان بدین نام شهره بوده است. بخاری در «کتاب التفسیر» و ترمذی در «الجامع» بدینسان سوره‌ها نشاندار کرده‌اند؛ و بدینسان

در شماری از تفسیرها و بسیاری مصحفها نامیده شده است (همو، ۲۳/۲۵) و از نوع نامیدن يك سوره به حروف مقطعه مطلع آن می‌باشد.

۴۲ - ۲ - سورة عسق، با هدف «کوتاه‌گویی و کوتاه‌نویسی»، سوره را با نادیده گرفتن «حم» در آغاز آن، با حروف باقیمانده نامدار کرده‌اند. سیوطی در الإقتان سوره شوری را در ردیف سوره‌هایی که بیش از يك نام دارند، نیاورده است. و اساساً از پیامبر (ص) نیز، در نامگذاری این سوره، سخنی بازگو نشده است. (همانجا).

۴۳ - الزخرف

۴۳ - ۱ - حم الزخرف، با اضافه کلمه (حم) به زخرف که در روایتی از امام باقر (ع) آمده سوره نامی دیگر یافته است. و بخاری نیز در صحیحش، سوره را این چنین نام نهاده است. (ابن عاشور، ۱۵۷/۲۵؛ طبرسی، مجمع البیان، ۵۹/۹).

۴۴ - الدخان

۴۴ - ۱ - حم الدخان، در دو حدیث جدا که از پیامبر (ص) روایت شده است، این نام دیده می‌شود. (مجلسی، ۳۲۰/۸۶ و ۴۱۵/۹۵) همچنین در خبر مسندی از عبدالله بن عتبة بن مسعود چنین نقل شده است: «أن رسول الله (ص) قرأ في صلاة المغرب بـ «حم الدخان»: رسول خدا (ص) در نماز شامگاه نخست، به - سوره - «حم الدخان» مترنم گشت» (نسائی، ۵۰۹/۲).

۴۵ - الجاثية

۴۵ - ۱ - حم الجاثية، با اضافه کلمه «حم» به الجاثية، همراه شدن کلمه «الجاثية» با «ال تعریف» - با آن که در اصل از «ال» تهی می‌باشد - با هدف نکوسازی اضافه بوده و تقدیر آن چنین است: «سورة هذه الكلمة»، یعنی سوره‌ای که این واژه در او مذکور افتاده است. و این معرفه سازی را فایده‌ای جز این نباشد. (ابن عاشور، ۳۲۳/۲۵).

۴۵ - ۲ - الشریعة، این نام را کرمانی در (العجائب) آورده است، (سیوطی، الإیتقان، ۱/۱۷۴) و سبب چنین نامگذاری آن بوده، که در سوره آمده است: «ثم جعلناك على شريعة من الأمر فاتبعها و لا تتبع أهواء الذين لا يعلمون (جائیه: ۱۸): سپس تو را در طریقه آیینی [که ناشی] از امر [خداست] نهادیم. پس آن را پیروی کن و هوسهای کسانی را که نمی‌دانند پیروی مکن.» این لفظ - شریعة - در جای دیگری از قرآن نیامده است، (ابن عاشور، همانجا).

۴۵ - ۳ - الدهر، این نام را نیز کرمانی در (العجائب) آورده است. (سیوطی، همانجا). سبب این نامگذاری، ورود واژه دهر در این سوره می‌تواند باشد: «و قالوا ما هي إلا حياتنا الدنيا موت و نحيا و ما يهلكنا إلا الدهر و ما لهم بذلك من علم إن هم إلا يظنون (جائیه: ۲۴): و گفتند: «غیر از زندگانی دنیای ما [چیز دیگری] نیست؛ می‌میریم و زنده می‌شویم، و ما را جز طبیعت هلاک نمی‌کند.» و [لی] به این [مطلب] دانشی ندارند [و] جز گمان نمی‌پرورند.» واژه دهر نه تنها در دیگر سوره‌هایی که - چون سوره جائیه - با (حم) شروع شده‌اند، وجود ندارد، (ابن عاشور، همانجا) بلکه در سرتاسر قرآن دو بار رخ نموده است، که دوم بار در سوره «إنسان» آمده و از قضا، نامی دیگر برای این سوره هم، گشته است.

۴۶ - الأحقاف، نامی دیگر یافت نشد.

۴۷ - محمد

۴۷ - ۱ - سورة القتال، (سیوطی، الإیتقان، ۱/۱۷۴) سبب این نامگذاری آن باشد که در سوره، مشروعیت کارزار بیان گشته و بالاتر آن که واژه «القتال» در آیه بیستم، مذکور افتاده است. و اساساً مقصود از سوره‌ای که «... صریح نازل شد و در آن نام کارزار (= القتال) آمد...» (محمد: ۲۰)، همین سوره می‌باشد، بنابراین نام «سورة القتال» برای سوره محمد، نوعی نامگذاری قرآنی است (ابن عاشور، ۲۶/۷۱).

اکنون آیه بیستم سوره محمد: «و يقول الذين آمنوا لولا نزلت سورة فإذا أنزلت سورة محكمة و ذكر فيها القتال رأيت الذين في قلوبهم مرض ينظرون اليك نظر المغشى عليه من الموت فأولى لهم» و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «چرا سوره‌ای [درباره کارزار] نازل نمی‌شود؟» اما چون سوره‌ای صریح نازل شود و در آن نام کارزار بیاید، آنان که در دلهایشان مرضی هست، مانند کسی که به حال بیهوشی مرگ افتاده به تو می‌نگرند و همان سزاوارشان است.»

۴۷ - ۲ - در بیشتر روایات صحیح بخاری که از این سوره نام برده شده، از آن زیر عنوان سوره الذین کفروا یاد شده است. (همانجا).

۴۸ - الفتح

۴۸ - ۱ - «إنا فتحنا» در روایتی منسوب به حضرت صادق (ع)، این نام به چشم می‌خورد. (طبرسی، مجمع البیان، ۱۶۵/۹). مولانا، در اقتباس ظریف و تلمیح لطیفی، این عنوان را در شعر خود برنشانده است:
«ای یوسف خوشنام ما، خوش می‌روی بر بام ما «إنا فتحنا» الصّلا، باز آ ز بام، از در آ!»
(مولوی، گزیده غزلیات شمس، ۱۴).

۴۹ - الحجرات، این سوره را، نامی دیگر نباشد. (ابن عاشور، ۲۶/۲۱۳)

۵۰ - ق

۵۰ - ۱ - ق و القرآن المجید، در این عنوان، سوره به آیه نخست خود نامیده شده و ضمن احادیثی از پیامبر (ص) (طبرسی، مجمع البیان، ۱۰/۷۹۱)، آبا و اجدادی (ابو داود، ۱/۳۶۳؛ دار قطنی، ۱/۴۶) و جابر بن سمرة (ابن عاشور، ۲۶/۲۷۳) مذکور افتاده است.

۵۰ - ۲ - سوره الباسقات، این نام را سیوطی در الإقتان بیان داشته و آن را به کسی نسبت نداده است. (سیوطی، الإقتان، ۱/۱۷۴). در توجیه این نامگذاری توان

گفت که واژه «الباسقات» صفت موصوف محذوف است، یعنی: «سورة النخل الباسقات» که اشاره دارد به: «و النخل باسقات لها طلع نضيداً (ق: ۱۰)؛ و درختان تناور خرما که خوشه‌های روی هم چیده دارند [را رویانندیم]». بنابراین «باسقات» به معنای «تناوران بلند بالا» می‌باشد. (ابن عاشور، ۲۶/۲۷۳ - ۲۷۴).

۵۱ - الذاریات

۵۱ - ۱ - و الذاریات، در این جا، سوره به دو واژه‌ای که در آغازش بر نشسته‌اند، نامیده شده است. این عنوان را بخاری در «کتاب التفسیر» از صحیحش، ابن عطیه در تفسیرش، کواشی در تلخیص التفسیر و قرطبی در تفسیر خود آورده‌اند. (همانجا، ۳۳۵).

۵۲ - الطور

۵۲ - ۱ - و الطور، در این وجه، سوره به دو واژه آغازینی خود نامیده شده است: «و الطور (طور: ۱)؛ سوگند به طور!». این عنوان، در بخش تفسیر صحیح بخاری، به مثابه نام این سوره مذکور افتاده است. (ابن عاشور، ۲۷/۳۵).

۵۳ - النجم

۵۳ - ۱ - و النجم، در خبری از ابن عباس (دار قطنی، ۱/۴۰۹) و در روایتی از حضرت صادق (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۹/۲۵۸) در بخش تفسیر صحیح بخاری و در جامع ترمذی این عنوان به چشم می‌خورد. در مصحفها و تفسیرها هر دو وجه (النجم، و النجم) آمده است که اولی (النجم)، از نوع نامیدن سوره به لفظی است که در طلیعه‌اش آمده است و دومی (و النجم) عبارت است از حکایت عین لفظی که در آغاز سوره رخنمایی کرده است.

۵۳ - ۲ - و النجم إذا هوی، چنانکه در حدیث زید بن ثابت در صحیحین آمده است که پیامبر (ص) «قرأ و النجم إذا هوی فلم يسجد». با این همه باید گفت که

همه اینها يك اسم است با گستره‌ای فراخ. و اصولاً این سوره، از سوره‌هایی که بیش از يك اسم دارند شمرده نمی‌شود. (ابن عاشور، ۸۷/۲۷).

۵۴ - القمر

۵۴ - ۱ - إقتریت، که سوره به نخستین واژه خود، نامیده شده است. (همانجا، ۱۶۵؛ سیوطی، الإتقان، ۱۷۴/۱؛ ابو داود، ۱۱۷/۲؛ مجلسی، ۲۳۹/۸۴ - خبر چهل و نهم به نقل از باقرین (ع) و ۲۷۳/۹۰ - که روایتی است از امام صادق (ع)).

۵۴ - ۲ - سورة إقتریت الساعة، در میان پیشینیان، چنین نامبردار بوده است. از آن جمله، در روایتی از حضرت صادق (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۲۷۹/۹) و بخاری که در کتاب التفسیر این عبارت را، عنوان سوره قرار داده است. (ابن عاشور، ۱۶۵/۲۷).

۵۴ - ۳ - إقتریت الساعة و انشق القمر، که ضمن آن، سوره به نخستین آیه‌اش، نامیده شده است. این نام در خبری از ابا واقد لیشی در پاسخ به پرسش عمر از او که پیامبر (ص)، در عید قربان و عید فطر چه سوره‌هایی را تلاوت می‌کرد، آمده است. (ابوداود، ۶۸۳/۱؛ دار قطنی، ۴۶/۱).

۵۵ - الرحمان

۵۵ - ۱ - عروس القرآن، بیهقی در شعب الإیمان از علی (ع)، از پیامبر (ص) چنین روایت کرده است: «لکل شیء عروس و عروس القرآن سورة الرحمان: همه چیز را، عروسی است و عروس - سَوَ گُلّی - قرآن، سوره رحمان است». دور نیست که این عنوان برای ستایش از سوره بوده باشد و نامی برای آن نباشد. (ابن عاشور، ۲۲۷/۲۷؛ سیوطی، الإتقان، ۱۷۴/۱).

۵۶ - الواقعة

۵۶ - ۱ - إذا وقعت، ضمن خبری از ابن مسعود آمده است (ابوداود، ۱۱۷/۲): که در آن، این سوره به دو واژه برنشته در مطلع خود، نامیده شده است.

۵۷ - الحديد

این سوره از دوران صحابه، به همین نام نامبردار بوده است. (ابن عاشور، ۲۷/۲۷۹). و آن را، نامی دیگر نباشد.

منابع و مآخذ

- آلوسی بغدادی، محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ هـ.
- آنیس، ابراهیم - ودیگران - المعجم الوسیط، چاپ دوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، بی تا.
- ابن آنس، مالک؛ الموطأ [در مجموعه الکتب الستة] تحقیق: محمود فؤاد عبدالباقی، استانبول، Yayinlari Cagri، ۱۴۰۱ / ق / 1981 = Anno Domini = بعد از میلاد مسیح (ع) = میلادی). A. D.
- ابن حبیل، احمد؛ مسند احمد بن حنبل [در مجموعه الکتب الستة] با همان مشخصات کتابشناسی که در بخش منابع عربی، شماره (۲) آورده‌ام (= همان).
- ابن عاشور، محمد طاهر؛ التحرير و التنویر، تونس، الدار التونسية للنشر، بی تا.
- ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۳ هـ.
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی؛ سنن ابن ماجه [در مجموعه الکتب الستة]، همان.
- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف؛ البحر المحیط، ریاض، مکتبة النصر الحدیثه، بی تا.
- ابوداود، سلیمان بن أشعث سجستانی آزدی؛ سنن ابوداود [در مجموعه الکتب الستة]، همان.
- بخاری، محمد بن اسماعیل؛ «الجامع الصحیح» المعروف بـ «صحیح البخاری»، چاپ چهارم، بیروت - دمشق، دار ابن کثیر و دار الیمامة، ۱۴۱۰ ق / 1990 A. D. [نیز طبع بیروت، دارالفکر، بی تا].
- بَغْلَبْکِی، منیر؛ موسوعة المورد العربیة، چاپ اول، بیروت، دار العلم للملایین، 1990 A. D.
- ترمذی، محمد بن عیسی بن سَؤْرَة؛ سنن الترمذی [در مجموعه الکتب الستة]، همان.
- الحرّ، خلیل؛ فرهنگ لاروس، ترجمه حمیدخلیلیان، چاپ اول، امریکیر، تهران، ۱۳۶۵ ش.

- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، دیوان خواجه حافظ شیرازی، به اهتمام ابوالقاسم آنجوی شیرازی، چاپ پنجم، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، بی تا.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد؛ المستدرک علی الصحیحین، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة، ١٤١١ ق / 1990 A. D.
- دار قُطنی، ابو الحسن علی بن عمر؛ سنن الدار قُطنی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- دارمی، ابو محمد عبدالله؛ «المسند» المعروف بـ «سنن الدرامی» [در مجموعه الکتب الستة، ج ١٩]، همان.
- رازی، فخر (فخرالدین) محمد بن عمر بن حسین؛ «التفسیر الکبیر» (= مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- زحمری، محمود بن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و تبیین الاقوال فی وجوه التأویل، چاپ اول، قم، مکتب الإعلام الاسلامی، ١٤١٤ ق.
- سخاوی، علی بن محمد؛ جمال القراء و کمال الإقراء، چاپ اول، بیروت، دار البلاغة، ١٤١٣ ق.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان؛ الإتقان فی علوم القرآن، تحقیق مضطفی دیب البغا، چاپ اول، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر، ١٤٠٧ ق / 1987 A. D.
- _____؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، مکتبة آیتالله العظمی المرعشی النجفی، ١٤٠٤ ق.
- سخاتة عبدالله محمود؛ درآمدی به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم، نگارش محمدباقر حجتی، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ١٣٦٩ ش.
- شریعتی، علی؛ کویر، بی جا، بی تا، بی تا.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ جوامع الجامع فی تفسیر القرآن المجید، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء، ١٤١٢ ق / 1992 A. D.
- _____؛ مجمع البیان لعلوم القرآن، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفة، ١٤٠٨ ق / 1988 A. D.
- طبری، محمد بن جریر بن یزید؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ١٤٠٩ ق / 1989 A. D.
- قُرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن، بی جا، بی تا، بی تا.

- کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن إسحاق؛ الأصول من الکافی، به اهتمام علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق/ 1983 A. D.
- مسلم بن حجاج نیشابوری؛ صحیح مسلم [در مجموعه الکتب الستة]، همان.
- مولوی (مولانا) جلال الدین محمد، گزیده غزلیات شمس، به کوشش محمدرضا شقیعی کدکنی، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۶۲ ش.
- نسائی، احمد بن شعیب؛ سنن النسائی، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۱ ق / 1991A. D.
- نهج البلاغة، ترجمه جعفر شهیدی، چاپ دوم، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.

منابع انگلیسی

- J. d. pearson The Encyclopedia of Islam, E. j. brill, Leiden, The Netherlands.

